

علل دین‌گریزی از منظر دین و نقش مراکز علمی در اصلاح آن

فاطمه صادقی^۱

چکیده

دین‌گریزی به معنای کم‌فروغ شدن ایمان و هرگونه دوری کردن از دین است که اختصاص به دین خاصی ندارد بلکه این پدیده دامن‌گیر همه ادیان و مکاتب است و عوامل گوناگونی دارد. به صورت کلی می‌توان گفت دین‌گریزی پدیده‌ای تک‌علتی نیست و علل متعددی در تحقق آن می‌تواند نقش داشته باشد. پژوهش حاضر به بررسی علل و عوامل دین‌گریزی از منظر دین پرداخته و در ضمن آن به تأثیری که مراکز علمی می‌توانند در کاهش دین‌گریزی داشته باشند اشاره نموده است. حاصل نوشتار حاضر که به روش گردآوری کتابخانه‌ای و در قالب توصیفی-تحلیلی صورت گرفته این است که عوامل دین‌گریزی داخلی شامل مواردی مانند عدم شناخت کافی آموزه‌های دینی، عدم استفاده از قوه عقل، عدم توجه به آسانی و سادگی دین، عدم توجه به محدوده کارکرد دین، عدم پیشرفت جوامع اسلامی، عدم توجه به مشکلات جوانان، تقلید کورکورانه، داشتن دوستان نامناسب هستند و عوامل خارجی شامل عللی چون ایجاد شبهه در دین، تهاجم فرهنگی، وارد کردن خرافات در دین به عنوان علل خارجی دین‌گریزی ذکر شده است. همچنین نقش مراکز علمی مانند حوزه و دانشگاه در راستای جذب جوانان به دین و جلوگیری از دین‌گریزی تبیین صحیح و جامع دین، ایجاد محیط اسلامی و نیز توجه بیشتر به آبادانی و پیشرفت منطبق با الگوی اسلامی بیان گردید.

واژگان کلیدی: کارکرد دین، باورهای دینی، گریز، علل دین‌گریزی، دین و مراکز

علمی، الحاد.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی کلام اسلامی از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی ﷺ العالمیه، قم، ایران.



دین‌گریزی و تمایل برخی از جوانان به فرهنگ‌های الحادی جدید غرب همواره یکی از دغدغه‌های رهبران دینی و خانواده‌های دینی بوده است. این مشکل دیرینه باعث نگرانی بسیاری از خانواده‌های متدین بوده و تهدیدی برای نسل جوان محسوب می‌شود. همان طور که در درمان یک بیماری، نخست ریشه‌ها و علت‌های بروز آن بررسی می‌شود تا درمان بهتر و کارآمدتر در مورد آن مریضی صورت بگیرد برای درمان پدیده دین‌گریزی نیز نخست باید علل وزمینه‌های آن بررسی شود تا متناسب با آن، نسخه و برنامه درمان پیچیده شود. از آنجاکه به دلیل فطری بودن دین، گریز از دین و ادبار از خدا غیرممکن است، واکاوی ریشه‌ها و علت‌های این پدیده به ویژه در جوامع دین‌دار و مسلمان اهمیت و ضرورت ویژه پیدا می‌کند. بدون شک دین فی نفسه و در ذات خود، عنصری که سبب دین‌گریزی مردم شود، دارا نیست؛ از طرفی انسان و مسائل مربوط به وی دارای ابعاد و پیچیدگی خاصی است، از این رو نمی‌توان دلایل و عوامل افکار و اعمال او را وابسته به یک و یا چند علت ساده دانست.

پس عوامل و علت‌های گوناگون و متفاوت بسیاری وجود دارد که سبب عدم تمایل مردم نسبت به دین می‌شود یا نوعی نگرش منفی و توقعات بی‌جا از دین در اذهان مردم به وجود می‌آورد. برخی از علل و عوامل دین‌گریزی در بخش معرفت و از سنخ دانش و برخی غیر معرفتی می‌باشند. همچنین برخی از عوامل دین‌گریزی داخلی و خارجی هستند؛ یعنی برخی از دلایل برخاسته از درون جامعه دیندار می‌باشد و برخی دیگر از عوامل از محیط خارج از جامعه اسلامی و از سوی دشمنان اسلام طراحی و وارد فضای جوامع دینی شده است. از باب نمونه بسیاری از تبلیغات وسیع و رنگارنگ غرب که با استفاده از شیوه جنگ نرم باعث مشوش شدن ذهن مسلمانان به ویژه قشر جوان می‌شود از جمله این عوامل خارجی به شمار می‌آید.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. دین در لغت و اصطلاح

واژه دین به معنای جزا، اطاعت، قهر و غلبه، عادت، انقیاد، خضوع، پیروی و مانند آنها آمده است.

(مصطفوی، ۱۳۷۴، ۲/۲۶۸؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ۸/۷۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۳۲۳)

از دین در اصطلاح تعاریف متفاوتی ارائه شده است. علت تعدد تعاریف اصطلاحی دین این است

که دین پدیده گسترده، پیچیده، و دربردارنده ساحت‌های گوناگون و ابعاد مختلف بشری است. (ملکی

بیرجندی، ۱۳۸۱، ص ۲۵) استاد محمد تقی مصباح یزدی تعریفی که از دین دارد این است که: «دین

برابر است با اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورات عملی متناسب با این عقاید». علامه

محمد حسین طباطبایی نیز دین را این‌گونه تعریف می‌کند: «دین، نظام عملی مبتنی بر اعتقادات

است که مقصود از اعتقاد در این مورد، تنها علم نظری نیست؛ زیرا علم نظری به تنهایی مستلزم عمل

نیست بلکه مقصود از اعتقاد، علم به وجوب پیروی بر طبق مقتضای علم قطعی است» (خسروپناه،

۱۳۷۹، ۱/۱۶). با بررسی تعاریف فوق می‌توان دین را این‌گونه تعریف کرد: «دین، مجموعه عقاید، اخلاق،

قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها می‌باشد. گاهی همه این

مجموعه، حق و و گاهی همه آن باطل و زمانی مخلوطی از حق و باطل است. اگر مجموعه حق باشد

آن را دین حق و در غیر این صورت آن را دین باطل و یا التقاطی از حق و باطل می‌نامند. پس دینی که

مجموع حق و باطل باشد دین باطل است؛ زیرا مجموعه خارج و داخل، خارج می‌باشد» (خسروپناه،

۱۳۷۹، ۱/۱۹).

۲-۲. دین‌گریزی

براساس تعالیم اسلامی دین امری فطری است و هیچ‌کس نمی‌تواند به‌طور کلی با دین قطع رابطه کند.

طبق آنچه گفته شد دین‌گریزی یعنی، هرگونه دوری و فاصله گرفتن از دین و کم‌رنگ شدن دین در

زندگی افراد و بی‌توجهی و عمل نکردن به دستورات آن. چنانچه یهودیان از خداپرستی فاصله گرفتند و

به گوساله‌پرستی روی آوردند. (طه: ۲۰، ۸۸ و ۸۵) بنابراین، دین‌گریزی به معنای نفی مطلق دین

نیست؛ زیرا مطابق آیات قرآن مشرکان نیز در شمار دینداران هستند و از سرنوشت دینی خود می‌هراسند. (رک، کافرون: ۱۰۹؛ مؤمن ۲۶؛ آل عمران: ۷۳) عده‌ای معتقدند که دین‌گریزی وجود ندارد و مردم از چیزی بنام دین فرار نمی‌کنند. از این رو، برخی معتقدند که: «به سادگی نمی‌توان گفت نسل جوان ما دین‌گریز و احیاناً دین‌ستیز هستند. اینان نسبت به واقعیات موجود جامعه، دیدگاه‌های متفاوتی دارند و چه بسا در بخشی از آنها دیدگاه‌ها و نارضایتی‌ها وارد باشد، ولی ممکن است برخی از جوانان باتوجه به شرایط محیطی و خانوادگی از روند نارضایتی بیشتری برخوردار باشند و بعضی نارسائی‌ها را ناشی از قوانین دینی بدانند و در نتیجه اشکالات خویش را متوجه دین بکنند» (بیت الهی، ۱۳۸۶، ص ۸۶). همچنین از نظر عده‌ای از پژوهشگران واژه دین‌گریزی بار حقیقی ندارد؛ زیرا هیچ انسانی نمی‌تواند مطلقاً خود را از گرایش دینی تخلیه کند حتی فرعون که ادعای الوهیت و تقابل بادین موسی را داشت، یک نظام دینی را ارائه می‌دهد. (میثمی، ۱۳۷۹، ص ۳۹).

بنابراین می‌توان گفت که هیچ کس به صورت مطلق نمی‌تواند از دین که جزء سرشت و فطرت اوست، دوری کند و همواره بشر در در طول تاریخ از گذشته تا اکنون همراه با احساسات معنوی و یا با دین بوده است. پس می‌توان به این نکته نیز اشاره کرد که دین به خودی خود و فی نفسه دارای عنصری که سبب دین‌گریزی آدمی شود، نیست بلکه انسان ذاتاً دین‌خواه است و علل دین‌گریزی را بیشتر باید در خارج از دین و آموزه‌هایش جست‌وجو کرد.

۳. مظاهر دین‌گریزی و حفظ دین

در جامعه دینی بسیاری از امور جامعه و رفتارها طبق الگوی جامعه‌ی اسلامی نیست. از روابط بین افراد گرفته تا بسیاری از روش‌های درآمدزایی و... این رفتارها را می‌توان مصداق دین‌گریزی به شمار آورد. به صورت مختصر چند نمونه از این رفتار در سطح جامعه اشاره می‌شود. قشر نوجوان و جوان اطلاعات کافی درباره دین اسلام و احکام آن ندارند و به دروس دینی آنچنان‌که باید اهمیت داده نمی‌شود. عده نه‌چندان اندکی از جوانان در اثر تبلیغات گسترده و جذابیت کاذب فرهنگ غرب، بیش از آنکه با اهل بیت علیهم‌السلام و دیگر شخصیت‌های مؤثر در دنیای اسلام آشنایی داشته باشند با هنرمندان و بازیگران غربی

و بیگانه آشنا هستند. به علما و قشر روحانیت اهمیت لازم داده نمی‌شود. برای تحصیل در حوزه و مراکز علمی دینی، تشویق، تبلیغ و استقبال چندانی مشاهده نمی‌شود.

علاوه بر موارد فوق در رسانه‌های بصری که از قضا فرهنگ‌ساز نیز می‌باشند فیلم و محتواهایی که مطابقتی با شعائر اسلامی ندارد تولید می‌شود و جمعی از هنرمندان و بازیگران رفتار مخالف فرهنگ اسلامی مشاهده می‌شود که این مصادیق با رنگ و بوی جامعه دیندار در تضاد می‌نماید. بنابراین، می‌توان این موارد و موارد مشابه دیگر را از جمله مظاهر دین‌گریزی که علامت وجود آمدن نوعی بی‌رغبتی نسبت به دین در جامعه به ویژه برخی جوانان شده است به شمار آورد.

۴. لزوم حفظ دین

از دیرباز حفظ دین از هرگونه تحریف نزد انبیا و پیشوایان دینی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده است و در بسیاری از آیات و روایات و احادیث به آن اشاره شده است. چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «سلامة الدین احب الینا من غیره؛ سلامت دین نزد ما از هر چیز دیگر محبوب‌تر است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳/۲۸۵۳). در روایت دیگری یکی از نگرانی‌های رسول خدا (ص) بی‌توجهی به دین و سبک شمردن آن بوده است: «إئی أخاف علیکم إستخفافا بالذین و بیع الحکم؛ همانا که من بر شما از سبک شمردن دین و فروختن حکم و داوری نگران هستم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۹/۲۲۷). اهمیت تصحیح عقاید مردم تا آنجاست که عمر بن حریث می‌گوید: «روزی بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. عرض کردم اجازه می‌دهید دین و آیینی را که خدا را با آن می‌پرستم برای شما بیان کنم؟ فرمود: آری. گفتم: من معتقدم که معبودی جز الله نیست محمد (ص) عبد و فرستاده اوست و قیامت بدون شک برپا خواهد شد و خدای متعال اموات را برمی‌انگیزاند. من به اقامه نماز، پرداخت زکات، روزه رمضان و انجام دادن حج بر کسی که استطاعت داشته باشد، معتمد و همچنین به اینکه امر ولایت پس از رسول خدا به امیرالمؤمنین و سپس امام حسن و امام حسین و امام علی بن الحسین و امام محمد ابن علی و پس از او به شما واگذار شده اعتقاد دارم. شما پیشوایان من هستید و من بر این عقیده زنده‌ام و می‌میرم».

امام صادق علیه السلام فرمود: «ای عمرو! به خدا قسم این اعتقادات همان است که من و پدرانم به آن معتقدیم و خدا را به آن می پرستیم». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵/۶۶) این روایات نشان می دهند که حفظ اعتقادات صحیح برای یک مسلمان اهمیت و ضرورت دارد و نباید نسبت به از دست دادن عقایدش بی تفاوت یا سهل انگار باشد.

۵. علل دین‌گریزی

۵-۱. علل داخلی

علل داخلی عللی هستند که به متن جامعه دینی و مردم آن جامعه مربوط می شوند. در ادامه برخی از مهمترین علل دین‌گریزی داخلی (درونی) بیان می شود.

۵-۱-۱. عدم شناخت کافی آموزه‌های دینی

بدون یکی از علل نپسندیدن دین و پایبند نبودن به دستورات آن، عدم داشتن شناخت کافی از مسائل دین است. شناخت صحیح همواره عمل را به دنبال دارد. بنابراین، کسب معرفت و بالا بودن اطلاعات دینی جامعه می تواند ضامن اجرای دین هم باشد. این تقدم علم و نظر بر رفتار و عمل در آیات قرآن مجید نیز مورد اشاره قرار گرفته است: «و قال الذین اوتوا العلم و الايمان لقد لبثتم فی کتاب الله الی یوم البعث فهذا یوم البعث و لکنکم کنتم لا تعلمون» (روم: ۵۶) و کسانی که علم و ایمان به آنان داده شده می گویند: شما به فرمان خدا تا روز قیامت (در عالم برزخ) درنگ کردید و اکنون روز رستاخیز است، اما شما نمی دانستید».

طبق این آیه قرآن کریم علم بر ایمان مقدم می باشد و علم مرتبه‌ای پیش از ایمان و اعتقاد است. همچنین در بسیاری از موارد دین اسلام مردم را به علم‌آموزی دعوت کرده است که این نشان می دهد علم مقدمه شناخت حق و حقیقت و لازمه آن می باشد. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «آیا نمی دانید که خداوند به واسطه علم، اطاعت و بندگی می شود و خیر دنیا و آخرت با علم است و شر دنیا و آخرت با جهل است» (حکیمی، ۱۳۸۴، ۱/۱۲). بنابراین، یکی از عوامل دین‌گریزی را می توان عدم علم و معرفت افراد دیندار به مباحث دینی معرفی کرد. در این زمینه لازم است متولیان دینی برای رفع این عامل تلاش

بیشتری در راه نشر معارف دینی داشته باشند و تبیین صحیح و متناسب با نیاز و سطوح مختلف جامعه ارائه نمایند تا با بالا رفتن اطلاعات دینی جامعه زمینه دین‌گریزی مردم نیز کاسته شود.

۵-۱-۲. عدم استفاده از قوه عقل

یکی دیگر از علل و عوامل تأثیرگذار در مسئله دینداری و دین‌گریزی انسان بحث عقلانیت و تعقل است. جایگاه تعقل در مسئله ایمان‌گرایی و اصلاح امور می‌رساند که در صورت ضعف قوه تعقل و عدم توجه به آن در سطح جامعه باعث آثاری از جمله ادبار و عدم پذیرش دین می‌گردد. این نکته در روایات نیز به آن اشاره شده است. به عنوان نمونه در روایتی تصریح شده که: «عقل، آن است که به واسطه آن خدا عبادت می‌شود و بهشت به دست می‌آید» (کلینی، ۱۳۶۵، ۱۱/۱). همچنین تصریح شده که: «عقل مصلح همه امور است» (آمدی، ۱۳۶۶، ۶۹/۱). بنابراین، توجه دین به عقل‌مداری انسان این نکته را تقویت می‌کند که باید با شیوه‌ها و روش‌های گوناگون جامعه را به سمت تعقل و حاکمیت عقلانیت سوق داد. بدون تردید مراکز علمی می‌توانند با احیای خودباوری و تولید دانش مفید و ترغیب خردورزی در جهت رشد عقلانیت در جامعه به ویژه نسل جوان نقش مؤثری داشته باشند.

۵-۱-۳. عدم توجه به آسانی و سادگی دین

انسان‌ها در مقابل امور پیچیده و نازیبیا، تمایل بیشتری به امور ساده و زیبا دارند. از آنجاکه دین اسلام، دینی کامل و جامع می‌باشد به این مسئله توجه کرده است. قرآن کریم نیز در بخشی از آیه ۱۵۷ سوره اعراف می‌فرماید: «انبیا آمده‌اند تا بارها و غل و زنجیرهایی که بر دوش و دست و پا و بر گردن مردم سنگینی می‌کنند، بردارند». از طرفی پیامبر اکرم (ص) نیز شریعت خود را آسان و باگذشت عرفی می‌کند و به صحابه توصیه می‌فرماید که بیش از آنکه اندازکننده باشند، بشارت دهنده و آسان‌گیر باشند. در روایات اسلامی نیز آمده است: «خداوند همان‌گونه که دوست دارد انسان‌ها به ضرورت‌های دینی عمل کنند، به همان اندازه دوست دارد در مواردی که رخصت داده شده، وارد شوند» (امینی، مرادی و محمدی، ۱۳۹۱، ص ۳). امام علی علیه السلام نیز پیرامون آسان‌گیری در دین و عدم سخت‌گیری در آن، سفارش می‌کند که: «در مواردی که خداوند مردم را آزاد گذاشته است، تکلیف درست نکنید» (فیض

الاسلام، بی‌تا). با تأمل در این توصیه‌ها به دست می‌آید که عدم رعایت خطوط تبلیغی فوق، باعث رویگردانی و عدم استقبال مردم از دین می‌گردد. بنابراین، باید وظیفه مبلغان و متولیان دین این است که دین را ساده برای مردم تبیین کنند و از ایجاد تکلف و نازیبایی در دین بپرهیزند. هرچند این معنا به منزله نادیده گرفتن واجبات و ترک محرمات و ایجاد اباحه در جامعه نیست.

۵-۴. عدم توجه به محدوده کارکرد دین

انتظار بشر از دین از مسائل مهم در حیطه دین‌پژوهی است و با توجه به اهمیت آن در دین‌داری جامعه، ابعاد گوناگون آن پژوهش شده و حیطه‌های مختلف کارکرد و ضرورت دین تبیین شده (رک، خسروپناه، ۱۳۸۸، ص ۳۲-۳۳) و حیطه‌هایی مانند حوزه هدایت، تعلیم و تعلم، مدیریت، سیاست و... برای کارکرد دین معرفی گردیده است (رک، خسروپناه، ۱۳۸۸، صص ۱۱۶-۱۳۱)، اما برخی اقشار جامعه با غفلت از این حیطه‌ها انتظاراتی نامعقول از دین دارند که عدم تحقق آنها از سوی دین باعث ناامیدی و در نهایت دین‌گریزی آنان می‌شود. قرآن کریم در اشاره به همین مطلب به توقع‌های غیرمنطقی برخی جوامع از انبیای الهی پرداخته می‌فرماید: «گفتند ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم، تا اینکه چشمه جوشانی از این سرزمین خشک و سوزان برای ما خارج‌سازی یا باغی از نخل و انگور از آن تو باشد. و در لابه‌لای آن نهرها جاری‌سازی یا قطعات سنگ‌های آسمان را آنچنان که می‌پنداری بر سر ما فرود آوری یا خداوند و فرشتگان را در برابر ما بیاوری یا برای تو خانه‌ای از طلا باشد یا به آسمان بالا روی و حتی اگر به آسمان روی، ایمان نمی‌آوریم مگر آنکه نامه‌ای از سوی خدا بر ما فرود آوری که آن را بخوانیم» (اسراء: ۹۳-۹۰). این آیه به خوبی نشان می‌دهد که درخواست زندگی مرفه و دنیای پرزرق و برگ از انتظارات نابه‌جای امت‌های سابق بوده که خود ناشی از جهلشان نسبت به کارکرد و اهداف دین می‌باشد. برای رفع این چالش لازم است کارکردهای دین در زندگی به خوبی تبیین شود و انتظارات منطقی بشر از دین به مردم تفهیم گردد تا در صورت برآورده نشدن آنها ناامیدی و در نتیجه دین‌گریزی و یا دین‌ستیزی به وجود نیاید.

عده‌ای به اشتباه چشم‌گیر نبودن پیشرفت علمی و فناوری در کشورهای مسلمان را منسوب به وصف اسلام و مسلمان بودن می‌کنند و معتقدند مسلمانان به دلیل مسلمان بودن نسبت به ملل دیگر از علم روز و پیشرفت زمانه برخوردار نیستند و این مسئله را به ماهیت اسلام ارتباط می‌دهند. بنابراین، دین را مانع پیشرفت معرفی می‌کنند. برای رفع این توهم باید به چند نکته توجه شود:

- باید دید پیشرفت دیگران تا چه حدی معلول و مدیون تفکرات مذهبی آنان است آیا علت این پیشرفت باورهای مذهبی آنان است یا تلاش و کوشش مردم آن دیار؟ البته ما منکر ارتباط و پیوند بین باورهای دینی و عمران و آبادی نیستیم بلکه سخن در تبیین و فهم درست این ارتباط و سطح تأثیر آن است.

- هدف ادیان الهی را باید به درستی دریافت و ابلاغ کرد و انتظارات خود از ادیان را اصلاح کرد. دین برنامه هدایت بشری است. (بقره: ۲) و هرگونه برنامه هدایتی را باید از دین خواست البته امور مربوط به آبادانی و تسلط بر طبیعت مورد توجه دین بوده است، اما رسیدن به آن وابسته به تلاش و کوشش خود جوامع می‌باشد و کوتاهی مسلمین در آبادانی و پیشرفت را نباید پای دین و اسلام نوشت.

- با اندک نگاهی به تاریخ سده‌های گذشته جوامع، تسلط استعمار بر ملل عقب مانده و نقش آن در عقب ماندگی این ملل مشخص می‌شود. این استعمار بدون شک در عقب ماندگی جوامع نقش مهمی دارد. بنابراین، باید به عوامل و موانع پیشرفت بیشتر توجه شود و منشأ فقر و عقب ماندگی طبق واقعیات جامعه پیدا شود.

- ظهور انقلاب اسلامی در ایران و رشد قابل توجهی که طی سه دهه گذشته در جامعه اسلامی ایران اتفاق افتاده است دلیل دیگری بر پیوند دین با رشد و شکوفایی است. (امینی، خلیفه‌لو و محمدی ایلامی، ۱۳۹۱، ص ۷۳)

- ظهور و بروز تمدن اسلامی در قرون اولیه دلیلی محکم بر کارآمدی دین و دینداران در پیشرفت یک جامعه دینی است. (رک، ولایتی، ۱۳۸۷، ص ۳۹)

- باید توجه نمود که تمدن امروزی غرب با وجود ظاهر فریبنده‌اش، فاقد معنویت و اصول انسانی است. غرب جامعه‌ای است که حتی از سوی اندیشمندان نیز نقد می‌شود و افراد اندکی آن را تأیید می‌کنند (رک، گنون، ۱۳۷۲؛ دهشیری، ص ۱۴۴).

با توجه به نکات فوق می‌توان تا حدودی انتظارات از دین و شرایط کارآمدی دین را شناخت.

۵-۱-۶. عدم توجه به مشکلات جوانان

بدون شک جوانان نیروی محرک جامعه است و توجه به دغدغه‌های آنان ضروری می‌باشد. از این رو، حتی پیامبر (ص) نیز توجه ویژه به جوانان داشته و نقش آنان را در رسالتش چنین توصیف می‌کند: «به شماها درباره نوبالغان و جوانان به نیکی سفارش می‌کنم که آنها دلی رقیق‌تر و قلبی فضیلت‌پذیرتر دارند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم. جوانان سخنانم را پذیرفتند و با من پیمان محبت بستند، ولی پیران از قبول دعوتم سرباز زدند و به مخالفتم پرداختن» (فلسفی، ۱۳۷۷، ۲/۲۴۸). بنابراین، نباید نیروی جوان، انگیزه و دغدغه‌های آنان را نادیده گرفت و نسبت به چالش‌های به‌ویژه دینداری آنان بی‌تفاوت بود. بدون تردید جامعه اسلامی که جوانان سست ایمان و دین‌گریز داشته باشد در عرصه‌های مهم دچار مشکلات و تلاطم خواهد شد و در سرایشی سقوط قرار خواهد گرفت. بر متولیان امور دینی لازم است در قلمروی تفکر اسلامی، نیاز و اقتضات جوانان را بشناسند و نسبت به عوامل دین‌گریزی یا دین‌ستیزی آنان توجه ویژه داشته باشند.

۵-۱-۷. تقلید کورکورانه

پیروی کورکورانه از افراد، جریان‌ها و اندیشه‌های باطل، از لغزش‌گاه‌های زیانبار دینداری است. قرآن در مورد این افراد که در حقیقت بینش عمیقی ندارند و از دیگران کورکورانه تقلید می‌کنند، می‌فرماید: «مثل الفریقین کالأعمی والأصم والبصیر والسمیع هل یستویان مثلاً أفلا تدکرون» (هود: ۲۴) در این آیه قرآن این گروه را کور و کر و از حیوانات نیز پست‌تر دانسته و نکوهش کرده است؛ زیرا راه تعقل را بر خود بسته و بی‌فکر و اندیشه و تحقیق از دیگران پیروی می‌کنند درحالی‌که قرآن همواره آدمی را به اندیشیدن و بهره

بردن از عقل امر کرده و فرموده: «قل هل يستوى الأعمى والبصير أفلاتتفكرون؛ بگو، آیا کور و بینا برابرند؟ آیاتفکر و اندیشه نمی کنید» (انعام: ۵۰).

آنچه انسان بر آن امر شده است، تقلید آگاهانه است و آن به معنای پیروی فرد غیر متخصص و ناآگاه از افراد خیره و مراجعه به آنان است که از لوازم رشد و تکامل نیز به شمار می آید. تقلید جاهلانه ناشی از عدم شناخت و فقدان هویت و تعصب به نیاکان است. این مسئله نه تنها در بی توجهی نسبت به دین بلکه در پذیرش اولیه دعوت انبیای الهی نیز نقش بسزایی ایفا می کند و از دلایل رد دعوت انبیاء می باشد. (رک، مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ص ۷۴) پافشاری بر عقاید باطل و رسوم ناپسند در به دلیل پایبندی به تقلید از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود و عامل دین گریزی نیز می گردد. بر این اساس باید نسبت به این تقلید آسیب زا و به ویژه کاستی های باور گذشتگان، آگاهی های لازم داده شود و فرهنگ عام پذیرش حق براساس علم و معرفت نهادینه گردد.

۵-۱-۸. دوستان نامناسب

انسان موجود اجتماعی است و نیاز دارد با مردم زندگی و با آنها رابطه برقرار کند. از این رو، انتخاب دوست از بایستگی زندگی اجتماعی است؛ زیرا دوست شایسته یکی از سرمایه های بزرگ زندگی و از عوامل خوشبختی و سعادت بشر است. پیشوایان دین اسلام پیروان خود را در انتخاب رفیق عاقل و با ایمان سفارش نموده اند. امام علی علیه السلام می فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالْإِخْوَانِ فَإِنَّهُمْ عُدَّةٌ لِلدُّنْيَا وَعُدَّةٌ لِآخِرَةِ؛ پیوند دوستی خودتان با برادران تان را محکم کنید که آنها ذخایر و پشتیبان شما در دنیا و آخرت هستند» (طبرسی، ۱۳۸۵، ۱۸۷/۲). بر این اساس دوست یابی یکی از اموری است که در آموزه های دین بسیار مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. البته این برقراری روابط باید به گونه ای باشد که دوست، انسان را در تحقق اهداف یاری کند؛ زیرا در غیر این صورت برقراری رابطه با دوستان ناباب، انسان را از اهداف خود دور ساخته و موجب بدبختی وی می شوند، چنان که فرزند نوح علیه السلام تحت تأثیر محیط دوستان دین گریز قرار گرفت و از شمار خاندان و نجات یافته گان بیرون رفت (هود: ۴۶). شماری از کافران نیز با الگوگیری از بزرگان خود به دین گریزی کشانده شدند (توبه: ۳۱). همچنین برخی دوزخیان در صحرای

محشر می‌گویند: «یا وِیْلَتی لَیْتَنی لَم اَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِیْلًا؛ ای وای، کاش فلانی را دوست خود نگرفته بودم» (فرقان: ۲۸). هم‌نشینی با دوستان ناباب، دین و دنیای انسان را تباه می‌کند. امام علی علیه السلام فرموده است: «دوستی با اشرار باعث کسب شر می‌شود».

۵-۱-۹. عوامل خارجی

با تأمل و پژوهش در پدیده دین‌گریزی به دست می‌آید که علاوه بر عوامل داخلی یاد شده، فرهنگ‌های متعارض و متضاد با دین اسلام از بیرون باعث ایجاد زمینه‌های تضعیف ایمان و در نتیجه دین‌گریزی مسلمانان به‌ویژه جوانان می‌شود. به ذکر برخی از این عوامل که زمینه خارجی دارند اشاره می‌شود:

۵-۱-۱۰. ایجاد شبهه در دین

حضرت علی علیه السلام در سبب نام‌گذاری شبهه می‌فرماید: «شبهه را از این جهت شبهه گفته‌اند که شباهت به حق دارد». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۶۱/۲۷) طبیعی است با وجود عدم شناخت کافی از دین و آموزه‌های آن ایجاد شبهه باعث فاسد در دین و تضعیف نور ایمان در قلب می‌شود. نمونه‌های فراوانی برای تطبیق بحث وجود دارد یک نمونه آن ایجاد شایعات و نشر اکاذیب پیرامون شخصیت‌های مهم و تأثیرگذار دینی است. این ترفند که نوعی ترور شخصیت است، می‌تواند با ایجاد بدبینی به رجال دین باعث ضعیف ایمان در جامعه شود. در همین راستا بحث ولایت فقیه نیز با توجه به اهمیت آن در جامعه امروز، هنوز هم از سوی دشمنان محل طرح شبهه می‌باشد (مرکز تحقیقات ولی فقیه، ۱۳۷۸، ص ۱۰۹). بدون شک این‌گونه شبهات همچون تیری زهرآلود باورهای جامعه و جوانان را نشانه می‌گیرد و در صورت عدم پاسخ‌گویی از سوی اندیشمندان و مبلغان عالم، آسیبی جدی به اعتماد و دینداری جامعه وارد می‌آید.

۵-۱-۱۱. تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی یکی از مهمترین عوامل خارجی دین‌گریزی جامعه می‌باشد. دشمن برای دور کردن جوانان از دین از هر روش و ترفندی جهت تضعیف باورهای دینی و دین‌گریزی استفاده می‌کند. بدون شک ایجاد فساد و اشاعه بی‌بندوباری از مهمترین برنامه‌های تهاجم فرهنگی است. این ترفند به

اندازه‌ای مهم است که مقام معظم رهبری در توجه دادن به این ترفند می‌فرماید: «یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی این بود که سعی کنند جوانان مؤمن را از پای‌بندی به ایمان - که همان چیزی است که یک تمدن را نگه می‌دارد - منصرف کنند مانند همان کاری که در قرن‌های گذشته در اندلس کردند. جوان‌ها را ریختند در عالم فساد، شهوت رانی و می‌گساری» (خامنه‌ای، ۱۳۷۲، ۳/۱). بنابراین، ضروری است که مسئولان نهادهای مختلف جامعه در زمینه تهاجم فرهنگی و ابعاد مختلف آن فعالیت و برنامه مفید داشته باشند و از غارت ایمان افراد جلوگیری کنند.

۵-۱-۱۲. وارد نمودن خرافات در دین

دشمنان دانا و دوستان نادان با وارد نمودن بعضی از عقاید و باورهای خرافی در دین، دنبال اهداف و مقاصد شومی هستند که اگر متولیان دینی و دینداران به فکر زدودن این عقاید نباشند، زمینه‌های روی‌گردانی نسل جوان از دین را فراهم می‌کند. خرافه و خرافه‌گرایی از دیرباز در هر جامعه‌ای وجود داشته و همچنان وجود دارد. خرافات در میان ملت‌ها و جوامع بستگی به نوع تفکر و نگرش و فرهنگ و آداب و سنن آنان دارد، ولی آنچه که ممکن است بین جوامع گوناگون متفاوت باشد، رواج کم یا زیاد بودن خرافات است. جامعه‌شناسان گفته‌اند: «هرچه سطح فرهنگ جامعه‌ای پایین‌تر باشد در آن جامعه خرافه‌گرایی رواج بیشتری دارد». بنابراین، پدیده یاد شده مختص جامعه امروز نیست بلکه جوامع قبل نیز با آن درگیر بوده‌اند و آیندگان نیز از این امر در امان نخواهند بود. هم اکنون نیز در کشورهای پیشرفته دنیا گسترش خرافه‌گرایی است؛ زیرا فرهنگ عمومی جامعه از سوی دانشمندان و عالمان دینی یا فیلسوفان هدایت نمی‌شود بلکه دیگران به صورت شبه دینی و شبه عقلی میدان را به دست گرفته‌اند. از جمله راه‌های نفی خرافه و در واقع درصدد رفع آن بر آمدن از جامعه اسلامی، توصیه و توجه به تفکر و تعقل است. خرافه‌پرستی متنوع است با اشکال مختلف در اجتماع ترویج می‌گردد. گاهی در حوزه دین و اعتقادات است مانند عقاید و باورهای باطل و نادرست گاهی در حوزه اجتماع مطرح است مثل خوش‌شانسی و بدشانسی و فال‌گیری و... گاهی در زندگی فردی متصور است مانند

سعد و نحس بودن رنگ‌ها، روزها، مکان‌ها، لباس‌ها... که همه به نوعی در برچیدن دین از زندگی انسان نقش دارند.

۶. نقش مراکز علمی در کاهش دین‌گریزی

بدون شک مراکز علمی در هر جامعه‌ای منشأ ایجاد فرهنگ و باورهای آن جامعه هستند و در شکل‌گیری اعتقادات و ایمان افراد نقش مؤثری دارند. در جوامع اسلامی نیز مراکز علمی در قالب مدارس، دانشگاه، حوزه و پژوهشگاه‌های مختلف از پایگاه‌های مهم تأثیرگذار در زمینه‌سازی ایمان به شمار می‌آیند که در ادامه به عملکرد مراکز علمی در مسئله دین‌گریزی جامعه اشاره می‌شود.

۶-۱. تبیین صحیح و جامع مقولات دینی

امروزه مراکز علمی به عنوان مهمترین مراکز محوری تعلیم و تربیت جامعه، سالانه پذیرایی قشر عظیمی از جوانان می‌باشد. بنابراین، می‌توانند تأثیر بسزایی در جذب و هدایت جوانان به سمت دین داشته باشند. وجود گروه‌های معارف اسلامی و دروس اسلامی مربوطه اگرچه لازم است، اما کافی نیست و باید مسائل دینی طبق اصول آموزشی خاص و جذاب و طبق برنامه‌ریزی آموزشی به مخاطبان القا شود. برای نمونه اصلاح اطلاعات غلط از دین و ارائه تصویر صحیح و جذاب از دین و حل دغدغه‌های جوانان صرفاً با تدریس دروس اسلامی محقق نمی‌شود و نیازمند برنامه‌هایی علمی و کارآمدتر می‌باشد نظیر نشست‌های علمی با حضور اساتید مجرب که زمینه‌ساز مشارکت چهره به چهره افراد فرهیخته با جامعه و تبیین صحیح و جامع مقولات دینی به‌ویژه به روز می‌باشد. (امینی، خلیفه‌لو و محمدی ایلامی، ۱۳۹۱، ص ۸۲)

۶-۲. ایجاد محیط اسلامی در مراکز آموزشی

اسلامی شدن محیط مراکز علمی به ویژه دانشگاه‌ها محدود به امور ظاهری نمی‌باشد بلکه در سطوح زیرین باید این اسلامیت بسی عریض تر و عمیق تر اعمال گردد. زمانی می‌توان ادعا کرد که مراکز علمی آموزشی جامعه، اسلامی شده است که علاوه بر ظاهر، اصول و مبانی علوم طبق رویکرد دینی باشد. دانش و دانشگاه و مراکز دیگر زمانی می‌تواند دینی تلقی شود که بتواند نسبت خود را با مقولات بنیادین

دینی حفظ کند و این جز با اصلاح در مبانی اصول و رویکردهای گسترده در همه سطوح اتفاق نمی‌افتد. برای مثال علوم ورشته‌هایی مانند فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، روان‌شناسی و دیگر علوم همه تحت تأثیر آن اصول و مبانی و رویکردها باید قرار گیرند به گونه‌ای که بتوان مثلاً از فیزیک دینی و غیر دینی، اقتصاد دینی و غیر دینی نیز صحبت کرد و برای قشر جوان تحصیل کرده جذابیت ایجاد نمود. بی‌تردید علم از منظر یک نهیلیسم و پوچ‌گرا و یک شخص دین‌دار بسیار متفاوت است؛ ت‌زیرا نگاه و دیدگاه آدمی بر علم او از طبیعت نیز تأثیر می‌گذارد. برای مثال نگاه یک نهیلیسم که نگاهش به همه چیز بر مبنای پوچ‌گرایی است با نگاه انسانی که دید غایت‌مندانه به طبیعت دارد، متفاوت است.

همچنین دیدگاه روان‌شناسی برآمده از برخی مکاتب انسان‌شناس غربی که انسان را یک سازوکار جبری و پیچیده می‌داند که با زبان فیزیک و شیمی قابل توصیف است با روان‌شناسی مبتنی بر انسان‌شناسی دینی همسان و هم‌ردیف نیست. علوم هرگاه مبتنی بر مبانی، اصول و رویکردهای دینی باشند هم روح خواهند یافت و هم در مسیر تعالی انسان قرار خواهد گرفت و این امر بر عهده تمام مراکز علمی-آموزشی جامعه اسلامی است تا بکوشند دانش بشری به رشد و بالندگی بالایی برسد. بدون شک این توجه به علوم در بستر دین نیز موجب اقبال و اشتیاق جامعه به دین می‌شود. (امینی، خلیفه‌لو و محمدی ایلامی، ۱۳۹۱، ص ۸۲)

۶-۳. توجه بیشتر به آبادانی و پیشرفت

زمانی که دین و دین‌داری سبب رشد و توسعه شود، جاذبه لازم را برای اقبال مردم خواهد داشت. مراد از توسعه نیز توسعه دین محور است؛ یعنی طبق الگویی اسلامی توسعه صورت بگیرد. اگر جوامع دینی از علم و توسعه عقب بمانند، اولین علامت تردید بر کارآمدی دین و دینداران در ایجاد توسعه نهاده می‌شود، حتی اگر کم‌کاری و اهمال در واقع از سوی دینداران باشد. بنابراین، مراکز علمی جامعه اسلامی باید بکوشند ابتدا اندیشه سازگاری دین و توسعه را تبیین کنند و سپس در عرصه عمل با همراهی علم و دین در توسعه همه‌جانبه جوامع اسلامی، کارآمدی دین را در این عرصه نیز اثبات نمایند. همچنین با تبلیغ و الگو گرفتن از پیشینه درخشان مسلمانان وجود تمدن‌های اسلامی در گذشته نه چندان دور،

جوانان را متوجه توانایی ملل مسلمان و اسلام کنند. بدون تردید نتیجه این گام‌ها و برنامه‌ها سبب هویت‌یابی دوباره دینداران و اعتماد به دین و کارآمدی دین می‌شود و در سطح وسیع از گریز و ادبار به دین می‌کاهد.

۷. نتیجه‌گیری

دین‌گرایی و یا دین‌گریزی مقوله تک‌علتی نیست و علل متعددی در تحقق آن نقش دارد؛ دین‌گریزی هم علل داخلی و خارجی دارد. عوامل دین‌گریزی داخلی شامل مواردی مانند عدم شناخت کافی آموزه‌های دینی، عدم استفاده از قوه عقل، عدم توجه به آسانی و سادگی دین، عدم توجه به محدوده کاربرد دین، عدم پیشرفت جوامع اسلامی، عدم توجه به مشکلات جوانان، تقلید کورکورانه، داشتن دوستان نامناسب هستند. عللی چون ایجاد شبهه در دین، تهاجم فرهنگی، وارد کردن خرافات در دین به عنوان علل خارجی دین‌گریزی ذکر شده است. همچنین به دست آمد که مراکز علمی مانند حوزه و دانشگاه می‌توانند با تبیین صحیح و جامع مقولات دینی، ایجاد محیط اسلامی و نیز توجه بیشتر به آبادانی و پیشرفت در همه ابعاد جامعه اسلامی منطبق با الگوی اسلامی، نقش مؤثری در جذب جوانان به دین و جلوگیری از دین‌گریزی ایفا کنند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۸). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- * نهج البلاغه (بی‌تا). فیض الاسلام، علینقی. تهران: چاپخانه سپهر.
- ۱. امینی، جبار، مرادی، رضا، و محمدی ایلانی، رحیم (۱۳۹۱). علل و عوامل دین‌گریزی و نقش دانشگاه در اصلاح آن. نشریه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۵۰، سال شانزدهم، شماره اول، صص ۶۵-۸۶.
- ۲. آمدی، عبدالواحدین محمد (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم. قم: انتشارات دفتر تبلیغات.
- ۳. بیت‌الهی، رجب (۱۳۸۶). علل دین‌گریزی و راه‌های مقابله با آن. روزنامه کیهان.
- ۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۳). شریعت درآینه معرفت. تهران: رجا.
- ۵. حرانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۸). تحف العقول. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ۶. حکیمی، محمد رضا (۱۳۸۴). الحیاه. تهران: انتشارات دلیل ما.
- ۷. خامنه‌ای، علی (۱۳۷۲). روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲ مرداد ۱۳۷۲.
- ۸. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۸). مسائل جدید کلامی و فلسفه دین. قم: مرکز نشر و ترجمه المصطفی.

۹. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۶). مفردات فی غریب القرآن. تحقیق: صفوان عدنان داوودی. دمشق: دار القلم. بیروت: دار الشامیه.
۱۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). کتاب العین. قم: هجرت.
۱۱. فلسفی، محمدتقی (۱۳۷۷). جوانان از نظر عقل و احساس. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۳. گنون، رنه (۱۳۷۲). ضیاء الدین دهشیری. تهران: امیرکبیر.
۱۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: دار الأحياء التراث العربی.
۱۵. مرکز تحقیقات نمایندگی ولی فقیه (۱۳۷۸). تهاجم فرهنگی. تهران: معاونت فرهنگی سپاه.
۱۶. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). قلمرو شریعت. مجله یاس، ۷، ۵۰-۵۸.
۱۷. مصطفوی، سید حسن (۱۳۷۴). التحقیق فی کلمات القرآن. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۸). مثال های زیبای قرآن. قم: نسل جوان.
۱۹. ملکی بیرجندی، اکبر (۱۳۸۱). علل دین‌گریزی و تضعیف باورهای دینی از دیدگاه استاد مطهری (ره). بی‌جا: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۰. میثمی، لطف‌الله (۱۳۷۹). ارزیابی استراتژیک از مقوله دین‌گریزی. نشریه بازتاب اندیشه، ۱۲، ۳۹-۴۷.
۲۱. ناس، جان (۱۳۷۰). تاریخ جامع ادیان. مترجم: حکمت، علی اصغر. تهران: انقلاب اسلامی.
۲۲. ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۷). فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: دفتر نشر معارف.
۲۳. هیک، جان (۱۳۷۲). فلسفه دین. تهران: هدی.